

بزند. همبستگی در معنای اصیل کلمه، جایی می‌تواند تحقق پیدا کند که سیاست رانه با اقتصاد و منفعت که با قرب به حق و وحدت و نزدیکی به حقیقت تعریف کند.

سفرهای استانی یک اتفاق بزرگی است که اگر به درستی درکش کنیم و بتوانیم ظرفیت‌هایش را بشناسیم، این قابلیت را دارد که سرآغاز یک تحول بزرگ در ارتباطات میان مردم با همدیگر و مناسبات دولت و مردم با یکدیگر باشد. این پدیده اجتماعی سیاسی می‌تواند خاستگاه تغییر درک ما از سیاست، تعریف ما از امر سیاسی، تلقی ما از جامعه سیاسی و دریافت ما از مفهوم جامعه و الگوی جامعه‌سازی باشد و به مثابه مبنایی برای «اتحاد ملی» در ایران قرار گیرد. می‌تواند نقطه شروعی برای عینیت یافتن وحدت ملی باشد. این که آن را سرسری نادیده بگیریم و انکار کنیم، اگر آگاهانه است که خیانت است و اگر آگاهانه نیست، یک جهالت بزرگ است؛ یعنی نابود کردن خود است؛ پس قدر آن را بدانیم و قابلیتش را بشناسیم.

«دولت مردمی»، یک شعار سیاسی نیست، یک زیربنای ثنوریک برای بازیابی «امر عمومی»، فهم ایده «مردم به منزله همه مردم» و بازسازی تعامل مردم در «مناسبات همدلانه» است. امری است که می‌تواند نقطه شروع تحول در ساختار سیاست و ورزی، مناسبات اداری و نظام تعامل اجتماعی ما باشد. سفرهای استانی به عنوان یک فرم سیاست و ورزی وقتی به شعار و ایده «دولت مردمی» گره می‌خورد، می‌تواند سرآغاز و

در این معنایی که از پوپولیسم شناختیم، پوپولیسم یک ایدئولوژی ماهیتاً مدرن و سکولاریستی است. با این که می‌خواهد مفهومی به نام مردم را مطرح کند اما باز هم کمیت‌انگار و منفعت‌اندیش است. پوپولیسم در ذاتش چیزی به نام «سیاست همدلی» ندارد.

